

کار بست نظریه «وحدات موضوعی سوره‌ها»

در کتاب التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم

۲۱۱-۲۲۸

چکیده: نظریه «وحدات موضوعی سوره‌ها»، از جمله روش‌های تفسیر قرآن است که روابط مفهومی میان آیات قرآن را در پرتو غرض سوره مورد توجه قرار می‌دهد. رسالت این نظریه نظام‌مند و منسجم جلوه دادن هر یک از سوره‌هاست که در آن مفسر در خلال توجه به جنبه‌های ادبی و زبانی، به دنبال راهی برای کشف پیوستگی اهداف و تناسب معنوی میان محور سوره و گزاره‌های معنایی است. اهتمام به متمایز و مستقل جلوه دادن شخصیت هر سوره از جمله ثمرات این نظریه مطرح شده که مدت‌ها از بیان آن گذشته است، از این رو آگاهی نسبت به نظرات مطروحه جدید، می‌تواند نگرشی نوین به این نظریه بخشد. کتاب «التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم» از جمله این تالیفات است که به اشراف دکتر مصطفی مسلم در دهه حاضر منتشر شده است. این کتاب متضمن آراء و نظرات جدید تفسیری و یا بازخوانی و تکمیل تعدادی از آن‌هاست که لزوم توجه به آن ضروری می‌نماید؛ لذا این نوشتار به معرفی این کتاب تفسیری و چگونگی کار بست نظریه وحدات موضوعی سور در آن، اهتمام داشته است.

کلیدواژه‌ها: وحدات موضوعی سوره‌ها، التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم، تناسب آیات

The Application of the Theory of “Thematic Unity of Surahs” in the Book of al-Tafsīr al-Mowḍūi Lisuwar al-Quran al-Karīm

Ali Hasan Nia | Mohsen Khatami

Abstract: The theory of “thematic unity of Surahs” is one of the methods of interpreting the Qur’an that considers the conceptual relations between the verses of the Qur’an in the light of the purpose of the surah. The mission of this theory is to make each surah systematic and coherent, in which the commentator while paying attention to the literary and linguistic aspects, seeks a way to discover the connection of the themes and semantic fit between the general subject of the surah and the semantic propositions. The effort to make the character of each surah distinct and independent has been suggested as one of the fruits of this theory. So being aware of the new ideas in this regard can give a new perspective to this theory. The book al-Tafsīr al-Mowḍūi Lisuwar al-Quran al-Karīm “Thematic Interpretation of the Surahs of the Holy Quran” is one of these works that has been published under the supervision of Dr. Mustafa Muslim in the present decade. This book includes new interpretive opinions and views or re-reading and reconsidering a number of them that need to be taken into account; Therefore, this article has tried to introduce this commentary and how to apply the theory of thematic unity in it.

Keywords: Thematic Unity of Surahs, Thematic Interpretation of the Holy Quran, Proportion of Verses

تطبيق نظرية (وحدة السور الموضوعية) في كتاب التفسير الموضوعي لسور القرآن الكريم
علي حسن نيا / محسن خاتمي

الخلاصة: نظرية (الوحدة الموضوعية للسور) هي واحدة من أساليب تفسير القرآن التي تركز على العلاقات المفهومية بين الآيات القرآنية في سياق هدف السورة. وهذه النظرية التي تمتاز بتناسقها وانسجامها تهدف إلى تسليط الضوء على كل واحدة من السور القرآنية عبر تأشير المفسر للجوانب الأدبية واللغوية وسعيه للكشف عن العلاقة بين أهداف السورة والانسجام المعنوي بين محورها والمقولات المعنوية. والاهتمام ببيان الهوية المميزة والمستقلة لكل سورة من سور القرآن هو أحد ثمار هذه النظرية التي مضى زمنٌ طويل على وجودها في الساحة، الأمر الذي يدعو إلى الاعتقاد بأن الإطلاع على الآراء الجديدة في هذا المجال يمكن أن يساهم في ظهور نظرية جديدة معاصرة لهذه النظرية.

وهذا الكتاب (التفسير الموضوعي لسور القرآن الكريم) هو أحد هذه التأليفات، وقد صدر بإشراف الدكتور مصطفى مسلم في العقد الحالي. وهو يشمل على بيان الآراء والنظريات التفسيرية الجديدة، مع مراجعة وتكميل بعضها بما يعطي مزيد الأهمية لضرورة إلقاء النظر عليه، وهو ما يهدف إليه المقال الحالي الذي يقوم بتعريف هذا الكتاب التفسيري وبيان كيفية تطبيقه لنظرية الوحدة الموضوعية للسور القرآنية.

المفردات الأساسية: الوحدة الموضوعية للسور، التفسير الموضوعي لسور القرآن الكريم، تناسب الآيات.

۱. اشاره‌ای به تناسب سوره‌ها در قرآن و نظریه وحدت موضوعی سوره‌ها

یکی از مباحث و نظریات مورد توجه قرآن پژوهان معاصر بحث از علم تناسب آیات و وحدت موضوعی سوره‌هاست. درباره تناسب سوره‌ها برخی برآن اند که میان تمامی آیات هم‌جوار در یک سوره ارتباط و تناسب وجود دارد و وظیفه مفسر است که این ارتباط شگفت‌انگیز را کشف کند.^۱ نظریه وحدت موضوعی سوره‌های قرآن نیز برآن است که هر سوره علی‌رغم کثرت و تنوع ظاهری مضامین آن دارای غرض واحدی است که وحدت فراگیر سوره را رقم زده است. به طوری که میان تمامی آیات سوره و موضوعات به ظاهر پراکنده آن پیوندی ناگزیر با غرض سوره برقرار است.^۲ برخی از قائلین به این نظریه معتقدند هر اندازه موضوعات و مطالب یک سوره متعدد باشد، باز هم از یک مسئله واحد سخن می‌گویند و به یک هدف می‌رسند.^۳ این بحث از دیرباز مورد توجه عده‌ای از مفسران بوده است، به طوری که برخی پیشینه این بحث را با قدمت تفسیری دانسته‌اند،^۴ اما این نظریه امروز طرفداران بیشتری را به خود جذب کرده و توجه به تألیفات معاصر نشان از اقبال بیشتر از پیش نسبت به این مباحث دارد. در این میان می‌توان به سید قطب در فی ظلال القرآن و التصوير الفنی فی القرآن، علامه طباطبایی در المیزان، حجازی در الوحدة الموضوعية فی القرآن الکریم، محمود شلتوت در تفسیر القرآن الکریم، مراغی در تفسیر المراغی، زحیلی در التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج و سعید حوی در الأساس فی التفسیر اشاره کرد.^۵ در دهه اخیر نیز نگاه‌ها پر بار علمی و پژوهشی چه در قالب مقاله و چه کتب تفسیری اعم از موضوعی یا تک‌نگاری میان دیگر پژوهش‌های تفسیری و علوم قرآنی خودنمایی می‌کنند.^۶

در مقابل این جریان، گروهی این مباحث را بیهوده و نادرست پنداشته‌اند که این بی‌اعتنایی ناشی از عوامل زیر بوده است: ۱. اعتقاد به اجتهادی بودن ترتیب همه یا بعضی از آیات.^۷ ۲. پیچیدگی و تا حد زیادی ذوقی بودن موضوع بحث.^۳ توجه و اشتغال به دیگر جنبه‌های تفسیری.^۷

ناقدان نظریه تناسب سوره‌ها در قرآن غالباً نقد خویش را حول دو نوع از تناسب سوره‌ها با یکدیگر سامان داده‌اند: یکی وجه ارتباط فرجام هر سوره با آغاز سوره بعد از خود و دیگری ارتباط مضمونی سوره‌های پی‌درپی، اما فارغ از تأیید یا رد این نقدها به نظر می‌رسد فراتر از این دو نوع تناسب پیش‌گفته، وجوه دیگری نیز متصور است که در حیطه نقد این ناقدان نمی‌گنجد؛ چراکه اساسی‌ترین نقدی که بر قائلان

۱. الاتقان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۳۴۲.

۲. نظریه وحدت موضوعی سوره‌های قرآن، نگرش‌ها و چالش‌ها، ص ۲۰.

۳. رک به: الوحدة الموضوعية فی القرآن الکریم، ص ۲۴.

۴. چهره زیبای قرآن «پژوهشی پیرامون تناسب آیات»، ص ۱۰.

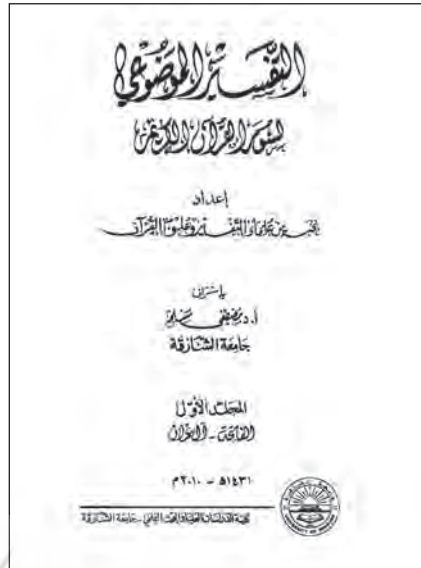
۵. همان.

۶. به منظور اطلاع بیشتر از این پژوهش‌ها رک به: نظریه وحدت موضوعی سوره‌های قرآن، نگرش‌ها و چالش‌ها، ص ۳۲ - ۵۱؛ چهره

پیوسته قرآن، ص ۱۳۱ - ۱۳۴.

۷. چهره زیبای قرآن «پژوهشی پیرامون تناسب آیات»، ص ۱۱.

تناسب سوره‌ها مطرح شده، ناظر بر عدم دلیل متقن بر توقیفی بودن چینش سوره‌هاست. حال آنکه دیگر وجوه تناسب، همچون ارتباط هر یک از مقاطع سوره با محور آن، تناسب برخی از مقاطع یک سوره با یکدیگر، تناسب آغاز و فرجام یک سوره و چنانچه قائل شویم که نام نهادن بر سُور، اجتهادات صحابه نبوده، بلکه توسط شخص پیامبر (ص) بوده است، می‌توان تناسب میان نام سوره و محور آن را نیز به این مجموعه افزود که جملگی از این نقدهای پیش‌گفته مصون‌اند. البته این نوشتار به دنبال صحه نهادن بر تمامی این وجوه نیست، بلکه تنها قصد دارد ضرورت توجه به این دست دیدگاه‌ها را بازگو کند؛ دیدگاه‌هایی که نه تنها قابل انکار نبوده، بلکه گاهی توجه صحیح و تمسک به آنها می‌تواند مسیری جدید بر روی پژوهشگران و قرآن‌پژوهان در کشف معارف نهفته بگشاید. چنان که یکی از قائلین به این نظریه در این باره می‌گوید:



این نظریه، در فهم قرآن بسیار راه‌گشا است، به طوری که تمسک بدان وجوه کشف نشده بسیاری را از اعجاز در نظم و اسلوب قرآن بر روی خوانندگان مکشوف می‌کند.^۸

مطلب دیگر توجه به غرض‌یابی سوره‌هاست. در هر سوره می‌توان یک غرض اصلی و اساسی در نظر گرفت و در کنار و طول آن، زیرمجموعه این غرض اصلی، اغراض فرعی، اما مرتبط با غرض اصلی را شناسایی و آیات را در سایه این داده‌ها تحلیل کرد.

به نظر می‌رسد لازمه تحقق نظریه وحدت موضوعی سوره‌ها، پیوستگی آیات یک سوره از لحاظ زبانی و ادبی با یکدیگر است؛ به طوری که جملگی این گزاره‌ها یک هدف را دنبال کنند. از آنجا که قرآن کریم دارای معارف ذوبطون است و هر مفسری با پیش‌فرض‌های خود و تعلق به هر یک از مشارب کلامی اعم از اشعری، معتزلی و امامیه یا گرایش‌های فلسفی، فقهی و... به تفسیر قرآن می‌پردازد، تفسیر و تحلیل آیات بر پایه «نظریه وحدت موضوعی سوره‌ها» نیز همچون دیگر تفاسیر (با هر نوع گرایشی) یک برداشت و تدبر در آیات قرآن محسوب می‌شود و نمی‌توان مفسر و محقق را از به کارگیری آن در فهم و تدبر در قرآن منع کرد.

به نظر می‌رسد یکی از محاسن «نظریه وحدت موضوعی سوره‌ها» این است که فواید آن توجه به تک تک گزاره‌ها می‌تواند معارفی را با نگرش کلی به آیات و سُور به دست آورد. حال این نگرش می‌تواند در سطح

۸. نظریه الوحدة الموضوعية للقرآن الكريم من خلال كتاب «الأساس في التفسير»، ص ۱۱۰.

تعدادی از آیات همجوار به عنوان یک مقطع و واحد موضوعی باشد که با دیگر آیات و چه بسا اغراض سوره در ارتباط و هم پیوستگی است یا در سطح سوره باشد که با برخی از گزاره‌های زیرمجموعه‌اش در تعدادی از مقاصد و مدالیل دارای همپوشانی است.

به هر حال نادیده گرفتن این نظریه و کنار نهادن آن موجب جلوگیری از تدبر در آیات قرآن و کشف ارتباط میان گزاره‌های معنایی می‌شود؛ چنان‌که برخی از محققان معاصر ضمن اذعان به وجود وحدت موضوع در هر یک از سوره‌ها می‌نویسند:

تجزیه آیات هر سوره قرآن و تفسیر آیات جدا و بی‌ارتباط با تمام سوره بیش از هر چیز برای قرآن زیانبار است.^۹

با توجه به اندک مطالبی که درباره وحدت موضوعی سوره گفته شد، اهمیت تحقیق در این باره و آگاهی درباره نظرات مطرح شده جدید حول آن اندکی آشکارتر می‌نماید. کتاب التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم از جمله این نگاه‌ها و تألیفات دهه حاضر محسوب می‌شود که متضمن نظرات جدید تفسیری یا بازخوانی تعدادی از آنهاست. این کتاب در مجموعه‌ای ده جلدی به کوشش ۳۱ تن از استادان متخصص در حوزه تفسیر و علوم قرآنی و زیر نظر استاد مصطفی مسلم سامان یافته است.^{۱۰} ایشان در سال ۱۴۳۱ قمری برای نخستین بار تفسیر کامل و جامعی از قرآن را بر اساس نظریه وحدت موضوعی سوره‌ها به جامعه قرآنی جهان اسلام عرضه کرده است. در ادامه ابتدا به صیغه تفسیر پژوهی برخی از مؤلفان اشاره می‌شود و سپس به تفصیل به معرفی این تفسیر پرداخته خواهد شد.

۲. معرفی برخی از مؤلفان التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم

بررسی آثار و تألیفات مؤلفان این کتاب نشان از صیغه پژوهشی ایشان در زمینه تفسیر و علوم قرآنی دارد که حتی برخی از این نگاه‌ها نیز مرجع پژوهش‌های بعدی قرار گرفته‌اند. در این بخش تنها ۵ تن از این اساتید معرفی می‌شوند.

۲-۱. دکتر مصطفی مسلم

۲-۱-۱. مختصری از زندگی علمی

مصطفی مسلم متولد ۱۹۴۰م و اصالتاً دارای ملیتی سوری است. او مدرک کارشناسی خود را در سال ۱۹۶۵م در دانشکده الشریعه دانشگاه دمشق اخذ کرد. سپس دوره کارشناسی ارشد (۱۹۶۹م) و دکتری (۱۹۷۴م) را در رشته تفسیر و علوم قرآنی در دانشکده اصول الدین دانشگاه الازهر گذراند و بلافاصله به عنوان هیئت علمی در دانشگاه «الإمام محمد بن سعود الإسلامية بالریاض، المملكة العربية السعودية»

۹. قرآن ناطق، ج ۱، ص ۴۳۸.

۱۰. رک به: التعریف بکتاب التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم، ص ۲۰.

جذب شد. وی مدت ۱۰ سال (تا ۱۹۸۴م) استادیار، ۱۰ سال (تا ۱۹۹۴م) دانشیار و ۳ سال (تا ۱۹۹۷م) به عنوان استاد تمام مشغول به فعالیت علمی در این دانشگاه بود و پس از این برهه زمانی صاحب کرسی استادی در دانشگاه شارجه شد و به فعالیت‌های پژوهشی و تألیف و نگارش کتاب ادامه داد.

استاد مصطفی مسلم برای تدوین التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم سال‌ها نظریه وحدت موضوعی سوره‌ها را در نگاشته‌های خود و به‌ویژه کتاب مباحث فی التفسیر الموضوعی مطرح و به صورت فردی آن را در دانشگاه‌ها تدریس می‌کرد. این مطلب را می‌توان در لابه لای نوشته‌های وی درباره ارتباط مستحکم میان علم مناسبات و تفسیر موضوعی دنبال کرد.^{۱۱} او سال‌ها پیش از نگارش این مجموعه ده جلدی همچون دیگر قائلین به نظریه وحدت موضوعی سوره‌ها تعریفی از علم مناسبات در اصطلاح علوم قرآنی به دست می‌دهد:

ارتباط میان موضوعات یک آیه و پیوند دویا چند آیه با یکدیگر و نیز ارتباط سوره‌ای با سوره دیگر را تناسب می‌گویند.^{۱۲}

۲-۱-۲. برخی از تألیفات

۱. مباحث فی اعجاز القرآن، دمشق: دار القلم
۲. مباحث فی علم الموارث، جدة: دار المناره
۳. مباحث فی التفسیر الموضوعی، دمشق: دار القلم
۴. معالم قرآنیة فی الصراع مع اليهود، دمشق: دار القلم
۵. مناهج المفسرین (التفسیر فی عهد الصحابة)، ریاض: دار المسلم
۶. تحقیق و تصحیح: تفسیر القرآن العظیم (لعبد الرزاق الصنعانی)، ۳ جلد، ریاض: مکتبة الرشد
۷. تریبة الأسرة المسلمة فی ضوء سورة التحريم، مکه: دار المنار
۸. التفسیر المیسر للقرآن الکریم، مدینه. این کتاب تألیف جمعی از قرآن پژوهان است که نگارش جزء ۱۰ و ۱۱ بر عهده دکتر مصطفی مسلم بوده است.
۹. المعجزة والرسول فی ضوء سورة الفرقان، دمشق: دار القلم
۱۰. الثقافة الإسلامية: تعریفها، مصادرہا، مجالاتها، تحدیاتها، شارقه: دار البشیر
۱۱. الزیادة والإحسان فی علوم القرآن لابن عقيلة المکی، نشر جامعة الشارقة. به عنوان نویسنده همکار (انتشار در ۱۰ جلد)
۱۲. جامع البیان فی القراءات السبع لأبی عمرو الدانی، نشر جامعة الشارقة. به عنوان نویسنده همکار (انتشار در ۳ جلد)

۱۱. مباحث فی التفسیر الموضوعی، ص ۵۷.

۱۲. همان، ص ۵۸.

۱۳. التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم، نشر جامعة الشارقة، (انتشار در ۱۰ جلد)
۱۴. مقاله «المناسبات و أثرها على تفسیر القرآن الکریم»، نوشته عبد الله خطیب و مصطفى مسلم؛
مجلة جامعة الشارقة للعلوم الشرعية و الإنسانية، ربیع الثانی ۱۴۲۶ هـ.

دکتر عبد الله خطیب که یکی از همکاران پژوهشی مصطفى مسلم در تألیف التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم است، سال‌ها متمرکز بر علم مناسبات و نظریه وحدت موضوعی سوره‌ها بوده است که نگارش این مقاله مشترک با مصطفى مسلم تنها نمونه‌ای از این تلاش‌هاست.

۲-۲. عیادة ایوب کبیسى

دکتر عیاده کبیسى استاد گروه تفسیر و علوم قرآنی دانشکده «الشریعة و الدراسات الإسلامیة» دانشگاه «الشارقة» کشور امارات که دکتری خویش را در سال ۱۴۰۷ هـ در دانشگاه أم القرى مکه اخذ کرده است. برخی از تألیفات قرآنی و تفسیری او عبارتند از: صحابه رسول الله فی الکتاب و السنة، أبرز أسس التعامل مع القرآن الکریم، دراسات فی التفسیر و مناهجه (۲۰۱۵ هـ)، اما برخی از مقالات پژوهشی او: «النصر فی القرآن: الأسباب و المعوقات» (۱۹۹۸ م)، «ترتیب نزول القرآن» (۲۰۰۰ م)، «تدبر القرآن بین المنهج الصحیح و الانحرافات المعاصرة» (۲۰۰۰ م)، «مناهج المفسرین بین الأثر و التجدید (عرض و نقد)» (۲۰۱۰ م) و «الموضوع القرآنی فی التفسیر الموضوعی؛ دراسة نقدیة».

همچنین او مدت‌هاست دروسی را با عنوان «تناسب السور و أثرها فی التدبر» برگزار می‌کند و در بحث‌های خویش به واکاوی تناسب مفهومی میان سوره و وحدت موضوعی سوره‌ها می‌پردازد.

۲-۳. احمد عباس بدوی

دکتر احمد عباس بدوی استاد تمام دانشکده «الشریعة و الدراسات الإسلامیة» است. او پس از چاپ کتاب التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم به معرفی اجمالی آن پرداخت و نوشته خویش را با عنوان «التعریف بکتاب التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم» در سال ۱۴۳۳ هـ در انتشارات دانشگاه شارجه منتشر کرد. بدوی سال‌ها پیش از این کتاب اهمّ خصائص السور و الآیات المکیة و مقاصدها (چاپ سال: ۱۹۸۰ هـ) را به رشته تحریر درآورده است.

۲-۴. عفاف عبد الغفور حمید

دکتر عفاف عبد الغفور از اساتید گروه اصول الدین دانشکده «الشریعة و الدراسات الإسلامیة» دانشگاه «الشارقة» بوده که از جمله همکاران پژوهشی این طرح بوده است. برخی از کتب تفسیری او عبارتند از: البغوی و منهجه فی التفسیر (چاپ به سال ۱۹۸۳ هـ) و التفسیر الموضوعی فی مؤلفات الشیخ محمد الغزالی (انتشار در سال ۲۰۱۰ هـ).

۵-۲. احمد محمد شرقاوی

دکتر احمد شرقاوی نیز یکی از همکاران پژوهشی دکتر مصطفی مسلم در تألیف کتاب التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم بوده است، او علاوه بر این همکاری، کتاب مستقلی نیز در زمینه وحدت موضوعی سوره به رشته تحریر درآورده است: نظریه الوحدة الموضوعية للقرآن الکریم من خلال کتاب «الأساس فی التفسیر». وی در این کتاب به تبیین آرا و نظرات تفسیری «سعید حوی» درباره نظریه وحدت موضوعی قرآن پرداخته است. شرقاوی یکی از اساسی‌ترین دلایل سعید حوی در طرح، ارائه و گسترش دادن این نظریه را پاسخ به شبهات مستشرقینی دانسته است که گمان می‌کردند ارتباطی میان آیات و سوره نیست و معتقد بودند میان آیات هیچ وقتی نیست و بر سیاق واحد و مرتبی نیز جمع نشده‌اند.^{۱۳} وی سپس به نام برخی از این مستشرقین و آثار آنها اشاره می‌کند؛ از جمله رژی بلاشر^{۱۴} در کتاب القرآن (نزوله، تدوین، ترجمه و تأثیر)؛^{۱۵} تئودور نولدکه^{۱۶} و ایگناز گلدتسیهر.^{۱۷}

شرقاوی کتب دیگری نیز با عنوان التفسیر الموضوعی برای سوره‌های کهف (التفسیر الموضوعی لسورة الکهف)، مریم، نبأ، انعام، طلاق، تغابن، منافقون و فاطر در سال ۱۴۲۸ هـ منتشر کرده است که به نظر می‌رسد این نگاشته‌ها پیش‌نویسی بوده است برای نگارش کتاب التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم (۱۴۳۱ هـ)، چراکه برخی از مطالب آن عیناً در این مجموعه ذکر شده است!

از دیگر تألیفات او می‌توان به المقصد السنی فی تفسیر آية الكرسي، یتیمه الدهر فی تفسیر سورة العصر اشاره کرد.

۳. معرفی اجمالی کتاب التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم

استاد مصطفی مسلم برای تدوین این مجموعه، ۳۵ سال تفسیر قرآن را با منهج تفسیر موضوعی در دانشگاه‌ها تدریس می‌کرد. او مدتی پس از حضور در دانشگاه شارجه و با دعوت اساتید دیگر طرح این پژوهش را در سال ۱۴۲۵ هـ آغاز کردند.^{۱۸} سرانجام این کتاب در سال ۱۴۳۱ هـ در ۱۰ جلد به چاپ رسید. ۹ جلد از این مجموعه به تفسیر سوره‌ها به ترتیب مصحف اختصاص دارد که جلد نخست آن با تفسیر «استعاذه» و حکم، معنا و وقت آن آغاز می‌شود. در جلد دهم نیز فهرست آیات، اطراف احادیث و مصادر و مأخذ ذکر شده است. در ادامه به متمدن منظمی که در تفسیر هر سوره به ترتیب به کار گرفته شده است اشاره می‌شود.

۱۳. رک به: نظریه الوحدة الموضوعية للقرآن الکریم من خلال کتاب «الأساس فی التفسیر»، ص ۶۶-۶۸.

14. Régis Blachère.

۱۵. این کتاب در واقع جزوه‌ای به زبان فرانسوی تحت عنوان «le coran» (قرآن) بوده که رضا سعاده آن را با عنوان «القرآن: نزوله، تدوین، ترجمه و تأثیر» به زبان عربی برگردانده و در دار الکتاب اللبنانی بیروت منتشر کرده است.

16. Theodor Nöldeke.

17. Ignaz Goldziher.

۱۸. التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم، ج ۱، مقدمه، ص «أ.ب.».

۱. معرفی نام سوره، وجه تسمیه و اشاره به اسامی دیگر سوره‌هایی که بیش از یک نام دارند. این عنوان اولین بخش از تفسیر است که به عنوان سرآغازی برای هر سوره به شمار می‌رود و غالباً با استفاده از منقولات صحابه و تابعین شکل تنظیم شده است. برای نمونه برای سوره فاتحه ۷ نام (الفاتحة، فاتحة الكتاب، أم الكتاب، أم القرآن، السبع المثانی، سورة الصلاة و سورة الرقیه) ذکر شده است که این اسامی از طریق ابن عباس، ابوهریره و ابوسعید خدری در صحاح سته گزارش شده است.^{۱۹}

۲. فضائل سوره در صورت وجود. در این بخش به اخباری که در ذکر فضائل تلاوت، حفظ و نگارش سوره‌ها وارد شده است پرداخته می‌شود. در این کتاب ذیل غالب سوره‌هایی نقل شده است، اما در عین حال سوره‌هایی نیز به چشم می‌خورند که خالی از روایات فضائل‌اند؛ مانند سوره ممتحنه.^{۲۰} برای برخی از سوره‌ها نیز همچون سوره بقره دو نوع فضیلت ذکر شده است: تلاوت به تنهایی یا تلاوت سوره قرین سوره‌ای دیگر.^{۲۱}

۳. مکان نزول سوره (مکی یا مدنی بودن). از آنجا که سوره‌های مکی و مدنی هر یک اهداف و اغراض مختص به خود را دنبال می‌کند، شناخت مکان نزول سوره اهمیت فراوانی برای مفسر دارد. توحید، روز رستاخیز، نبوت، امهات عبادات و اخلاق از ویژگی‌های سوره مکی و تشکیل جامعه اسلامی همراه تشریح عبادات و احکام، معاملات، جریان نفاق و منافقین از خصائص کلی سوره‌های مدنی به شمار می‌رود.^{۲۲}

۴. عدد آیات هر سوره و اشاره به اختلاف‌های موجود در این باره بین قرا و ذکر علت آن. در این باره به کتب متقدم ارجاع داده می‌شود و به اجماع یا عدم اجماع علما درباره تعداد آیات یک سوره توجه داده می‌شود. در برخی موارد مطلب قابل توجهی پس از ذکر تعداد آیات بیان می‌شود و آن، تعداد واژگان و حروف مستعمل در سوره مورد بحث است که غالباً منبع و مأخذ مورد استفاده مؤلفان یکی از کتب البیان فی عدد آی القرآن اندلسی، أقوى العُدَد فی معرفة العدد سخاوی، جمال القراء و کمال الإقراء و فنون الأفتان فی علوم القرآن ابن جوزی است.^{۲۳}

۵. محور سوره. همان غرض و هدف سوره در لسان دیگر تفاسیر است. محور سوره امر جامعی است که موضوعات یک سوره را در یک سیاق واحد قرار داده است، به طوری که همه یا غالب گزاره‌های معنایی بر حول آن محور می‌چرخند.

۱۹. رک به: همان، ص ۷-۹.

۲۰. رک به: همان، ج ۸، ص ۸۷-۸۸.

۲۱. رک به: همان، ج ۱، ص ۲۰-۲۳.

۲۲. برای تفصیل این بحث رک به: همان، ذیل سوره فاتحه.

۲۳. برای نمونه رک به: همان، ج ۶، ص ۲۳۵ و ج ۸، ص ۴۸۴.

۶. تناسب سوره. همان بحث از علم مناسبات است که در این تفسیر به شش بخش مجزا تقسیم شده است:

- ۶-۱. مناسبت میان نام سوره و محور آن
- ۶-۲. مناسبت میان آغاز و فرجام سوره
- ۶-۳. مناسبت میان ابتدای سوره و خاتمه سوره قبل
- ۶-۴. مناسبت میان مقاطع سوره (واحد‌های موضوعی) و محور آن
- ۶-۵. مناسبت میان برخی مقاطع یک سوره
- ۶-۶. مناسبت میان مضمون سوره و مضمون ماقبل خود^{۲۴}

۷. تفسیر اجمالی آیات. پس از گذر از مباحث مقدماتی که در ۶ عنوان کلی ذکر شدند، به «تفسیر اجمالی» هر سوره پرداخته می‌شود. در این تفسیر همچون دیگر تفاسیر، هر سوره به چند مقطع و واحد موضوعی تقسیم شده است که آیات هر مقطع به لحاظ مفهومی در یک سیاق واحد قرار دارند. برای تفسیر آیات از ابزارهایی همچون تفسیر قرآن به قرآن، تفسیر با نگرش به احادیث نبوی و توجه به اقوال پیشینیان از جمله قول ائمه تفسیری همچون طبری، ابن کثیر و ائمه مذاهب اربعه و ابن تیمیه استفاده شده است. به هنگام مواجهه با قضایای فقهی تنها قول راجح مطرح و برای اجتناب از اطناب، از ذکر اقوال پراختلاف لغوی و بلاغی جز در مواقع ضرورت پرهیز شده است و برای تفصیل برخی مطالب مخاطب را به پاورقی ارجاع می‌دهند.^{۲۵}

۸. الهدایات المستنبطة من المقطع. این عنوان پس از تفسیر اجمالی مورد بحث قرار می‌گیرد که معمولاً با ۴ شاخصه در ذیلش همراه است:

۱. القضايا العقدية ۲. الاحكام الشرعية ۳. الاخلاق الاسلامية و الآداب الشرعية ۴. الجوانب التربوية. استعمال این عنوان که ناظر بر برخی از نکات مستخرج از آیات در زمینه‌های تربیتی، اخلاقی، احکام و... است در این تفسیر آنچنان قابل توجه نبوده و تنها در برخی از سوره‌های مدنی مورد توجه بوده است؛ همچون سوره بقره و نساء^{۲۶} و این عنوان در سوره آل عمران به «الدروس و العبر المستفادة من هذا المقطع» مبدل می‌شود که بیشتر به چکیده آخر هر فصل در کتب آموزشی تشابه دارد^{۲۷} یا در سوره مائده به صورت «الهدایات المستخلصة من هذا النص» به چشم می‌خورد که مشتمل بر آن شاخصه‌های چهارگانه مطرح شده در سوره بقره و نساء نیست^{۲۸} و یا در برخی از سوره‌های دیگر هیچ یک

۲۴. همان، ج ۱، مقدمه، ص «ب».

۲۵. همان، مقدمه، ص «ج».

۲۶. برای نمونه رک به: همان، ج ۱، ص ۸۳-۸۶؛ ص ۹۷؛ ص ۱۲۸؛ ج ۲، ص ۵۵.

۲۷. برای نمونه رک به: همان، ج ۱، ص ۴۴۸-۴۵۰ و ۴۵۹-۴۶۰.

۲۸. برای نمونه رک به: همان، ج ۲، ص ۳۰۴-۳۰۵؛ ۳۰۸ و ۳۱۳.

از این عناوین وجود ندارد؛ همچون سوره حجر.^{۲۹} به نظر می‌رسد بخشی از مطالب بخش «هدایات» برگرفته از کتاب ایسر التفاسیر لکلام العلی الکبیر ابوبکر جابر جزائری باشد.^{۳۰}

۴. مروری بر سوره آل عمران به عنوان یک نمونه از سوره‌های حجیم قرآن

۴-۱. غرض و محور سوره آل عمران

سوره آل عمران از جمله سُوری است که دارای موضوعات متعددی بوده است، اما آنچه محور و غرض عام این سوره است، «اثبات وحدانیت و ربوبیت الهی و اقامه ادله نقلی و عقلی بر آن» است.^{۳۱} این حقیقت اساسی‌ترین اختلاف و نزاع میان موحدین و مشرکان بوده است. همان‌طور که علامه طباطبایی بارها به آن توجه داده است، این اختلاف در یگانگی و تعدد معبود نیست، بلکه نزاع اصلی در مسئله ربوبیت و تدبیر عالم است که در آیات بسیاری بر آن حجت و برهان اقامه شده است.^{۳۲}

در طول محور عام سوره به مسائلی توجه می‌شود که یکی از اصلی‌ترین آنها تقریر و برهان بر عبد بودن حضرت عیسی (ع) و نفی الوهیت از ایشان است. حاصل آنکه سوره آل عمران بر مسئله توحید استوار و بنا شده است.^{۳۳} مؤلفان برای اثبات این ادعا، ادله و مؤیدات فراوانی اقامه کرده‌اند که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱. سوره آل عمران تنها سوره‌ای است که در آن میان حروف مقطعه و سخن از قرآن کریم، بر وحدانیت الهی با صفات «حی» و «قیوم» تأکید شده است:

الم (۱) اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ (۲) نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ ... (۳)

این در حالی است که دیگر سوره‌های متضمن حروف مقطعه از این ویژگی برخوردار نیستند و بلافاصله پس از حروف مقطعه، سخن از قرآن کریم به میان می‌آید. برای نمونه:

در سوره بقره

الم (۱) ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ ... (۲)

در سوره اعراف

المص (۱) كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ فَلَا يَكُنْ فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِّنْهُ ... (۲)

۲۹. رک به: همان، ج ۴، ذیل سوره حجر.
۳۰. برای نمونه رک به: همان، ج ۶، ص ۳۰۶ و ۳۰۷؛ ص ۳۱۲ مقایسه شود با: ایسر التفاسیر لکلام العلی الکبیر، ج ۴، ص ۳۷۰ و ۳۷۴.

۳۱. التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم، ج ۱، ص ۴۰۶-۴۰۷.

۳۲. برای نمونه رک به: المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۲۶۶.

۳۳. التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم، ج ۱، ص ۴۰۶-۴۰۷.

در سوره یونس

الرَّتْلَكَ آيَاتِ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ (۱) و... ۳۴

۲. شهادت بر توحید در این سوره ۵ مرتبه صراحتاً ذکر شده است:

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ. (آل عمران: ۲)

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. (آل عمران: ۶)

شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. (آل عمران: ۱۸)

وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (آل عمران: ۶۲)

چنان‌که مشخص است در آیه ۱۸ دو مرتبه این شهادت ذکر شده است که در تمامی قرآن بی نظیر است.^{۳۵}

۳. در این سوره به کرات به اطلاق مشیت و اراده به خداوند و اختصاص مالکیت امور به او برهان اقامه شده است.

۴. تکرار لفظ «الاسلام»، «المسلمین» و فعل «أسلم» در این سوره، به طوری که در آیه ۲۰ این سوره ۳ مرتبه مشتقات این فعل استعمال شده است که در سرتاسر قرآن کریم بی نظیر است:

فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ أَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا.

۵. اثبات علم مطلق برای خداوند (عالم علی الاطلاق)

۶. تأکید بر وحدت رسالت و دین حق

۷. بیان حقیقت موت: ایجاد تقابل میان این واژه و صفت الهی «حی»

و... ۳۶

پیش از مجموعه حاضر نیز قرآن پژوهانی اهتمام فراوانی در دستیابی به اغراض اصلی سوره داشته‌اند که از آن جمله می‌توان سید قطب را نام برد. وی در پیشگفتار سوره آل عمران سه محور اساسی برای آن

۳۴. رک به: همان، ص ۴۰۷-۴۰۹.

۳۵. همان، ص ۴۰۹.

۳۶. رک به: همان، ص ۴۱۰-۴۱۵.

تصویر کرده است:

الف) معنای دین و اسلام که شاخصه اصلی آن اعتقاد به توحید مطلق و الوهی است.

ب) تصویر حال مسلمانان با پروردگار خویش، تسلیم و اطاعت و بندگی آنان.

ج) برحذر داشتن مسلمانان از پذیرش ولایت غیرمؤمنان.^{۳۷}

سید قطب پس از طرح هر محور، آیاتی را به عنوان مؤید و شاهد بر ادعای خویش ذکر می‌کند و در پایان، هر محور مطروحه را در بیان اسلام و حقیقت توحید و سهم آن در زندگی بشر، همگون و مکمل یکدیگر می‌خواند.^{۳۸}

آیت الله جوادی آملی نیز در تفسیر تسنیم در ذکر هدف سوره این مطلب سید قطب را بدون نقد یا تکمله‌ای نقل نموده است^{۳۹} که این نشان از اهتمام مفسران معاصر به بحث غرض‌یابی سوره دارد.

۲-۴. مناسبت میان آغاز سوره آل عمران و فرجام سوره بقره
آغاز سوره آل عمران درباره ایمان به خدای تعالی و کتب آسمانی نازل از جانب اوست و در فرجام سوره بقره نیز سخن از ایمان پیامبر (ص) بر آنچه بر او نازل شده و ایمان مؤمنین به میان آمده است که جملگی بر خدا، ملائکه، کتاب‌ها و فرستادگانش ایمان آورده‌اند.^{۴۰}

۳-۴. تناسب میان مضمون سوره آل عمران و بقره
مؤلفان به مطالب قابل توجهی در این بخش توجه داده‌اند که برای اشاره به تلاش‌های ایشان در چگونگی برقراری ارتباط مفهومی میان این دو سوره تنها به ذکر چند مورد بسنده می‌شود:

۱. هر دو سوره مدنی بوده و با حرف مقطعه افتتاح شده‌اند.
۲. معارفی که در سوره بقره به اجمال بیان شده است، در سوره آل عمران تفصیلی بیان می‌شود. برای نمونه در سوره بقره در مورد ایتناء مُلک به صورت ایجاز آمده است: «وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلَكَهُ مَن يَشَاءُ» (بقره: ۲۴۷)، اما در سوره آل عمران به تفصیل از این مسئله سخن به میان می‌آید: «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَن يَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّن تَشَاءُ وَتُعْزِزُ مَن تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَن تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». (آل عمران: ۲۶)^{۴۱}

۳. معارف سوره آل عمران استکمال و مستدرکی است بر آموزه‌های سوره بقره. برای نمونه در سوره بقره

۳۷. رک به: فی ظلال القرآن، ج ۱، ص ۳۵۷-۳۵۸.

۳۸. همان، ص ۳۵۸.

۳۹. رک به: تفسیر تسنیم، ج ۱۳، ص ۳۹-۴۰.

۴۰. التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم، ج ۱، ص ۴۲۰.

۴۱. رک به: همان، ص ۴۲۲-۴۲۴.

از آتشی سخن به میان می‌آید که هیزم آن «ناس» و «حجاره» هستند که برای کافران آماده شده است:

فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ. (بقره: ۲۴)

در این سوره مطلبی که دلالت کند بر جنتی که برای متقین آماده شده باشد وجود ندارد. این در حالی است که در سوره آل عمران علاوه بر ذکر کافران: «وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ» (آل عمران: ۱۳۱) سخن از متقین هم در ادامه مطرح می‌شود: «وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ» (آل عمران: ۱۳۳) و این نشان از استكمال معارف در سوره آل عمران دارد.^{۴۲}

گفتنی است محققان معاصر دیگری نیز به تناسب مضمونی این دو سوره در تألیفات خویش اشاره کرده‌اند و تعدادی قریب به ۲۰ مورد را گردآورده‌اند.^{۴۳}

۴-۴. تناسب مفهومی هر مقطع با محور و غرض سوره

از آنجا که غرض سوره آل عمران، توحید و ربوبیت الهی از جانب مؤلفان اختیار شده بود، برای پایه در هر مقطع و واحد موضوعی تمام اهتمام خویش را در برقراری ارتباط مفهومی با مسئله توحید متمرکز کرده‌اند. این تلاش در مقاطع هشت‌گانه این سوره مشهود است^{۴۴} و از آنجا که این نوشتار قصد دارد در ادامه برای نمونه به بررسی تناسب میان مقاطع و غرض سوره یس بپردازد، از این رو متعرض تناسب مفهومی مقاطع سوره آل عمران نمی‌شود.

۵. تناسب مفهومی مقاطع سوره یس با محور آن

مؤلفان سوره یس را دارای سه محور اصلی معرفی می‌کنند:

۱. ایمان و اعتقاد به رستاخیز، روز قیامت و جزای اعمال ۲. داستان اهل قریه ۳. ذکر ادله و براهین بر وحدانیت الهی. همچنین علاوه بر این سه محور، یک محور اساسی وجود دارد که آیات این سوره بر حول آن می‌چرخند و آن اثبات وجود رستاخیز و جزای الهی و اقامه ادله و براهین بر آن است.^{۴۵}

به نظر می‌رسد مصطفی مسلم و همکاران این محورها را عیناً و بدون تغییر لفظی از کتاب صفوة التفاسیر صابونی اقتباس کرده باشند،^{۴۶} حال آنکه با وجود نام کتاب صفوة التفاسیر در زمره مصادر کتاب التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم، در این موضع ارجاع به این کتاب یا مطلبی که دلالت بر اقتباس از آن باشد به چشم نمی‌خورد!

۴۲. رک به: همان، ص ۴۲۴-۴۲۵.

۴۳. رک به: تفسیر کاشف، ج ۲، ص ۲۰-۲۲.

۴۴. رک به: التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم، ج ۱، ذیل سوره آل عمران.

۴۵. همان، ج ۶، ص ۲۹۵.

۴۶. صفوة التفاسیر، ج ۳، ص ۳.

مؤلفان این سوره را به ده مقطع و واحد موضوعی تقسیم و برای هر مقطع عنوانی متناسب با آیات معرفی کرده‌اند و با برقراری تناسب میان هر دسته از آیات با محور سوره سعی، در دستیابی به هدف خویش، یعنی یکپارچه و پیوسته قلمداد کردن موضوعات این سوره داشته‌اند. در ادامه به این مقاطع ده‌گانه اشاره می‌شود.

۵-۱. مقطع اول (آیات ۱ تا ۱۲): قسم به قرآن، بیان احوالات پیامبر (ص) و قوش مؤلفان در تبیین ارتباط و تناسب میان این مقطع با محور اساسی سوره که همان اثبات رستاخیز بود چنین می‌نویسند:

ارتباط آن‌ها آشکار است؛ به طوری که تأکید خداوند در این مقطع بر زنده شدن مردگان و برانگیختن ایشان به منظور اخذ پاداش و جزای اعمالی است که از پیش فرستاده‌اند.^{۴۷}

۵-۲. مقطع دوم (آیات ۱۳ تا ۱۹): داستان اصحاب قریه در این مقطع به ارتباط و تناسب میان آیات این دسته و محور اساسی سوره اشاره نشده و در عوض به ارتباط آن با مقطع اول توجه داده شده است. حال آنکه بیان این ارتباط را نیز وامدار سید قطب و تفسیر فی ظلال القرآن هستند؛ چراکه مطلب را به او ارجاع می‌دهند. سید قطب درباره ارتباط این دو مقطع می‌نویسد: «بعد از عرضه کردن مسئله وحی و رسالت و مسئله رستاخیز، روند قرآنی به این دو مسئله بازگشته تا در قالب داستان دو مرتبه آنها را عرضه کند».^{۴۸}

۵-۳. مقطع سوم (آیات ۲۰ تا ۳۲): مردی مؤمن که قوم خویش را به تبعیت از پیامبران دعوت می‌کند مفاد این دسته از آیات بر عبرت‌گیری از اخبار و احوال گذشتگان دلالت دارد.^{۴۹} مؤلفان ارتباط این مقطع با محور اساسی سوره را در نهایت قوت و به تمامی آشکار دانسته‌اند و در این باره می‌نویسند: «این مقطع تأکیدی است بر اثبات رستاخیز و جزای الهی؛ و خدای تعالی در خاتمه این مقطع بر این مطلب تأکید دارد که همه بندگان برای وعده گاه روز معینی جمع‌آوری می‌شوند».^{۵۰}

۵-۴. مقطع چهارم (آیات ۳۳ تا ۴۴): آیاتی در بیان قدرت الهی در این مقطع به ذکر دلایل عقلی بر صحت امکان رستاخیز پرداخته می‌شود که مؤیدی است بر محور اساسی سوره. این آیات اشاره به احیای زمین مرده دارند که غرض آن هوشیاری دادن به مخاطب بر این مطلب است: «وجودی که می‌تواند زمین مرده را احیا کند، همان‌گونه نیز قادر است انسان‌های مرده را

۴۷. همان، ص ۳۰۵.

۴۸. فی ظلال القرآن، ج ۵، ص ۲۹۶۰ و نیز التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم، ج ۶، ص ۳۰۵.

۴۹. التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم، ج ۶، ص ۳۱۲ و نیز رک به: أیسر التفاسیر لکلام العلی الکبیر، ج ۴، ص ۳۷۴.

۵۰. همان‌جا.

زنده کند که خود بزرگ‌ترین دلیل بروجود معاد است».^{۵۱}

۵-۵. مقطع پنجم (آیات ۴۵ تا ۴۷): رویگردانی کفار از حق، در حالی که از [سیر در مسیر] هدایت خود را به کوری می‌زنند

در این بخش مؤلفان مخاطب را به ارتباط میان مقطع و محور سوره توجه نمی‌دهند و تنها به ذکر ارتباط میان آن با قبل خویش کفایت می‌کنند: «خداوند با اقامه ادله بر قدرت و آثار رحمتش کفار را پند داد، اما آنها با وجود نشانه‌ها و شواهد آشکار متعدد، خود را از پذیرش حق به کوری زده و از هدایت الهی رویگردان شدند».^{۵۲}

۵-۶. مقطع ششم (آیات ۴۸ تا ۵۴): مشرکین و انکار رستاخیز و استبعاد لحظه قیامت
این مقطع نیز همچون مقطع پیشین به بیان استمرار عناد و اعراض کفار اشاره دارد و ارتباط آن با محور سوره نیز همچون مقطع سوم در نهایت قوت است، چراکه مضمون این مقطع در کمال تأکید بر حقیقت «اثبات رستاخیز» بوده و این امر بر خداوند آسان است و امر رستاخیز به وقوع نمی‌پیوندد مگر با نفخ در صور که همه خلایق از قبورشان برانگیخته می‌شوند و به احدی ظلم نخواهد شد و جزا داده نمی‌شود، مگر به آنچه در دنیا کسب کرده است».^{۵۳}

۵-۷. مقطع هفتم (آیات ۵۵ تا ۵۸): پاداش ابرار و متقین
در میان مناسبات شش‌گانه، این مقطع تنها در بردارنده ارتباط با مقطع پیشین بوده و مفاد آن چنین است: خداوند پس از ذکر نتیجه اعمال مجرمان از حال ابرار خبر می‌دهد. با وجود اینکه محور سوره اثبات رستاخیز است، اما در این مقطع تنها در بخش هدایات به آن در حد دو واژه (تقریر المعاد) پرداخته شده است.^{۵۴}

۵-۸. مقطع هشتم (آیات ۵۹ تا ۶۸): کیفر مجرمان و اشقیاء
در این بخش نیز همسان با مقاطع دوم، پنجم و هفتم صرفاً به ارتباط با مقطع پیشین توجه شده و به تناسب آن با محور سوره اشاره‌ای نشده است. پس از ذکر حالات سعادت‌مندان در مقطع پیشین در این موضع به ذکر حالات اشقیاء پرداخته می‌شود تا مقابله و تفاوتی باشد میان احوالات این دو گروه.^{۵۵}

۵-۹. مقطع نهم (آیات ۶۹ تا ۷۶): اثبات وجود خداوند و وحدانیت الهی

۵۱. همان، ص ۳۱۳ - ۳۱۸.

۵۲. رک به: همان، ص ۳۱۹.

۵۳. رک به: همان، ص ۳۲۱ - ۳۲۳.

۵۴. رک به: همان، ص ۳۲۴ - ۳۲۵.

۵۵. همان، ص ۳۲۶ - ۳۲۹.

چنان‌که ملاحظه شد، هر چند در برخی از مقاطع به وجه ارتباط میان مقطع و محور سوره اشاره‌ای نشده، در عوض سخن از تناسب و مقطع متوالی به چشم می‌خورد، اما در این مقطع به هیچ یک از مناسبات شش‌گانه نامبرده در مقدمه کتاب اشاره و توجهی نشده است.

۱۰-۵. مقطع دهم (آیات ۷۷ تا ۸۳): اقامه ادله قاطع به منظور [اثبات] باور به رستاخیز در آیات پیشین خداوند پیامبرش را تسلی خاطر می‌دهد و ایشان را از هرگونه اندوه و ناراحتی نهی می‌کند. در اینجا نیز نمونه‌هایی از ادله دال بر مسئله معاد را بیان کرده است تا با آنها قلب پیامبر خویش را قوی و استوار کند.^{۵۶}

نتیجه آنکه سخن از برقراری ارتباط و تناسب میان آیات هر مقطع با محور اساسی این سوره تنها در پنج مقطع (مقاطع یک، سه، چهار، شش و ده) به چشم می‌خورد که با این وصف، وجه ارتباط نیمی از مقاطع با محور اساسی سوره مشخص نیست که لزوم بازنگری آن از جانب مؤلفان ضروری می‌نماید. این بازنگری می‌تواند در تصحیح غرض‌یابی محور اساسی باشد، چنان‌که برخی از مفسران غرض‌یابی را محدود نمی‌کنند و غرض سوره یس را اصول سه‌گانه اعتقادی یعنی توحید، نبوت و معاد معرفی می‌کنند^{۵۷} یا می‌تواند در راستای تغییر حدود و ثغور مقاطع باشد، همچون تقلیل تعداد مقاطع و مواردی مشابه.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

کتابنامه

- ابن عاشور، محمد طاهر؛ تفسیر التحریر و التنویر؛ بیروت: مؤسسة التاریخ العربی، ۱۴۲۰ق.
- ایازی، محمد علی؛ چهره پیوستل قرآن؛ تهران: مؤسسل پژوهش های قرآنی، ۱۳۷۹ش.
- بدوی، احمد عباس؛ التعریف بکتاب التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم؛ شارجه امارات: کلیة الشریعة و الدراسات الإسلامیة؛ جامعة الشارقة، ۱۴۳۳ق.
- بقاعی، ابراهیم بن عمر؛ نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور؛ تحقیق: عبدالرزاق غالب مهدی؛ بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، چاپ: سوم، ۱۴۲۷ق.
- بی‌آزاد شیرازی، عبدالکریم؛ حجتی، محمد باقر؛ تفسیر کاشف؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۳ش.
- _____؛ قرآن ناطق؛ بی‌جا: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶ش.
- جزایری، ابوبکر جابر؛ ایسر التفاسیر لکلام العلی الکبیر؛ مدینة: مکتبة العلوم و الحکم، ۱۴۱۶ق.
- جوادی آملی، عبدالله؛ تفسیر تسنیم؛ قم: مرکز نشر اسراء، بی‌تا.
- حجازی، محمد محمود؛ الوحدة الموضوعیة فی القرآن الکریم؛ بی‌جا، دار الکتب الحدیثیة، بی‌تا.
- حسینی، علی اکبر؛ نظریه وحدت موضوعی سوره‌های قرآن؛ نگرش‌ها و چالش‌ها؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۳ش.
- سید قطب، فی ظلال القرآن؛ بیروت: دار الشروق، چاپ: سی و پنجم، ۱۴۲۵ق.
- سیوطی، جلال الدین؛ الاتقان فی علوم القرآن؛ تهران: نشر امیرکبیر، چاپ: سوم، ۱۳۶۳ش.
- شرفاوی، احمد؛ نظریة الوحدة الموضوعیة للقرآن الکریم من خلال کتاب «الأساس فی التفسیر»؛ قصیم عربستان: کلیة البنات / عنیة، ۱۴۲۵ق.
- صابونی، محمد علی؛ صفوة التفاسیر؛ بیروت: دار الفکر، ۱۴۲۱ق.
- طباطبایی، محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
- مصطفی مسلم و همکاران؛ التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم؛ شارجه امارات: الجامعة الشارقة، ۱۴۳۱ق.
- مصطفی مسلم؛ مباحث فی التفسیر الموضوعی؛ دمشق: دار القلم، ۱۴۱۰ق.
- همامی، عباس؛ چهره زیبای قرآن «پژوهشی پیرامون تناسب آیات»؛ اصفهان: انتشارات بصائر، ۱۳۷۵ش.